اسلام برای همه

داستان‌ها و تاریخ

از آدم، نوح و ابراهیم تا خدیجه و ابوبکر

8 درس

- هر درس: داستانی درباره‌ی نوجوانان در سه بخش، با یک پرسش برای گفت‌وگو.
- یک آیه از قرآن یا یک حدیث با معنای آن.
- شش پرسش، به یاد بسپار، واژه‌یابی و هفت تفاوت.

Fatih Koçoğlu

Islam voor Iedereen · آموزش متوسطه‌ی ویژه

فهرست

1 **آدم و حوا** · نخستین انسان‌ها

2 **نوح و کشتی** · صبر و توکل

3 **ابراهیم** · شجاعت متفاوت بودن

4 **موسی** · جرأت سخن گفتن

5 **یونس** · هرگز ناامید نشدن

6 **مریم و عیسی** · معجزه‌ای از خدا

7 **خدیجه** · نخستین مسلمان

8 **ابوبکر** · دوست وفادار

چگونه از یک درس استفاده کنیم

- داستان را با هم، بخش به بخش بخوانید و درباره‌ی پرسش گفت‌وگو کنید.
- «آیا می‌دانستی؟» و آیه و معنای آن را بخوانید.
- سپس: شش پرسش، به یاد بسپار، و فکر کن و بنویس.
- صفحه‌ی آخر: واژه‌یابی و هفت تفاوت.

چه کسی کیست؟

1. **آدم و حوا** — نخستین انسان‌ها: خطا کردن و توبه
2. **نوح** — صبر و توکل: کشتی و طوفان
3. **ابراهیم** — شجاعت: یک خدا، حتی در برابر همه
4. **موسی** — جرأت سخن گفتن با یاری خدا
5. **یونس** — هرگز ناامید نشدن، حتی در تاریکی
6. **مریم و عیسی** — معجزه‌ای، و پیامبری از خدا
7. **خدیجه** — نخستین کسی که ایمان آورد و پشتیبانی کرد
8. **ابوبکر** — دوست وفادار: صدیق

نام: ..... تاریخ: .....

آدم و حوا

درس 1 · نخستین انسان‌ها

📖 داستان: آدم و حوا

با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – نخستین انسان

خدا به فرشتگان گفت که انسانی را در زمین قرار خواهد داد. آدم را از گل آفرید و در او جان دمید. نام همه چیز را به آدم آموخت. فرشتگان آن نام‌ها را نمی‌دانستند. خدا از فرشتگان خواست به نشانه احترام بر آدم سجده کنند. همه سجده کردند جز ابلیس. گفت: «من بهترم، چون از آتشم.» تکبرش او را دشمن انسان کرد.

⋆ **ابلیس از روی تکبر سر باز زد: «من بهترم.»**

نشانه احترام = کاری برای بزرگداشت کسی · **تکبر** = خود را برتر دانستن

بخش 2 – درخت

آدم و همسرش حوا در باغ زندگی می‌کردند. از همه چیز می‌توانستند بخورند جز یک درخت. ابلیس وسوسه کرد: «اگر از آن بخورید، جاودانه می‌شوید.» فریب خوردند و از آن خوردند. بی‌درنگ پشیمان شدند. نگفتند: تقصیر ابلیس است. گفتند: «پروردگارا، بر خود ستم کردیم. اگر ما را نبخشی، از زیانکاران خواهیم بود.» و خدا آنان را بخشید.

⋆ **آدم و حوا خطایشان را پذیرفتند و آمرزش خواستند.**

فریب خوردن = باور کردن حرف نادرست · **پشیمان شدن** = از کار خود احساس بدی داشتن

بخش 3 – چه یاد می‌گیریم؟

الیاس به خاطر بازی در کلاس باید پس از مدرسه بماند. در خانه اول می‌گوید: «تقصیر یوناس بود، او شروع کرد.» مادرش داستان آدم را برایش می‌گوید. «ابلیس بهانه آورد. آدم خطایش را پذیرفت.» الیاس فکر می‌کند. می‌گوید: «باشد، من هم بازی می‌کردم. ببخشید.» مادرش لبخند می‌زند. «همه خطا می‌کنند. بهترین‌ها آن را می‌پذیرند.»

⋆ **همه خطا می‌کنند. بهترین‌ها آن را می‌پذیرند.**

تنبیه = پیامد کار نادرست · **بهانه** = دلیلی برای پنهان کردن خطا

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** چرا گفتن «تقصیر من بود» این‌قدر سخت است؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – آدم

- آدم نخستین انسان و نخستین پیامبر است.
- همه انسان‌ها از نسل آدم و حوا هستند. برای همین همه انسان‌ها یک خانواده‌اند.
- دعای آدم و حوا در قرآن است (۷:۲۳): ربنا ظلمنا انفسنا ...

📖 از قرآن کریم

قرآن 2:30

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً

«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم.»

آدم و حوا

درس 1 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. خدا آدم را از چه آفرید؟

- ○ از گل
- ○ از آتش

2. چه کسی از سجده سر باز زد؟

- ○ جبرئیل
- ○ ابلیس

3. چرا سر باز زد؟

- ○ از روی تکبر
- ○ از ترس

4. آدم و حوا پس از خطا چه کردند؟

- ○ دیگری را مقصر دانستند
- ○ آمرزش خواستند

5. چرا الیاس تنبیه شد؟

- ○ بازی می‌کرد
- ○ دیر آمد

6. بهترین‌ها چه می‌کنند؟

- ○ خطایشان را می‌پذیرند
- ○ هرگز خطا نمی‌کنند

⋆ **به یاد بسپار:** خطا کردی؟ بپذیر و آمرزش بخواه.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. فرق ابلیس و آدم پس از خطا چیست؟

.....

.....

.....

2. درباره زمانی بنویس که خطایت را پذیرفتی.

.....

.....

.....

بازی‌ها

درس 1 · آدم و حوا

🍬 جدول واژه‌یابی

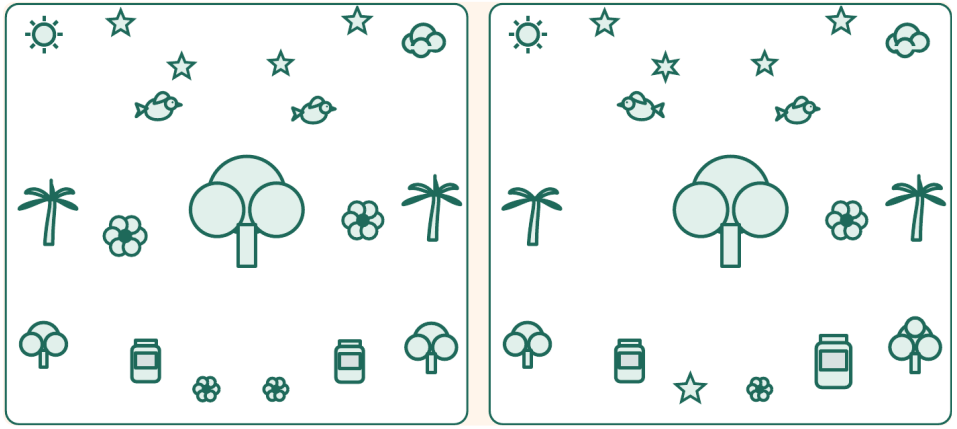
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ذ	ب	گ	ش	ذ	ج	ک	د	ق	گ	ژ
ت	خ	ر	د	پ	ن	ژ	ف	ظ	م	د
م	د	آ	ل	ش	ا	ط	خ	ژ	ز	و
ف	خ	م	ش	ی	ص	د	ک	ا	ه	ل
ر	ل	و	ی	م	گ	ع	ط	س	ف	ط
ش	ا	ث	ا	ا	ا	و	ح	ز	م	غ
ت	ت	و	ب	ن	و	ط	ث	ا	ه	ط
ه	ل	گ	ل	ی	ظ	ج	ص	ل	ز	ط
ص	س	ث	ی	چ	ب	ه	ب	ی	م	و
د	د	ل	س	ط	ق	ل	ا	ا	ن	ث
ز	ی	د	ژ	ض	ش	ک	غ	س	ی	ظ

☐ پشیمانی ☐ ابلیس ☐ فرشته ☐ الیاس ☐ درخت ☐ آدم ☐ حوا ☐ باغ ☐ خطا ☐ گل

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



نام: ..... تاریخ: .....

نوح و کشتی

درس 2 · صبر و توکل

📖 داستان: نوح و کشتی

با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – ۹۵۰ سال

مدت‌ها پس از آدم، مردم خدا را فراموش کردند. بت‌ها را می‌پرستیدند. خدا پیامبرش نوح را به سوی آنان فرستاد. نوح قومش را شب و روز، آشکار و پنهان فرا خواند. ۹۵۰ سال این کار را کرد. ولی بیشترشان انگشت در گوش‌هایشان می‌کردند. او را مسخره می‌کردند. فقط اندکی ایمان آوردند.

⋆ نوح ۹۵۰ سال با صبر قومش را فرا خواند.

بت = پیکره‌ای از سنگ یا چوب · **پنهان** = بی‌آنکه دیگران بدانند

بخش 2 – کشتی

خدا به نوح فرمود: کشتی بساز. دریایی نزدیک نبود. مردم می‌خندیدند: «کشتی، روی خشکی؟» نوح به ساختن ادامه داد. وقتی تمام شد، آب آمد: از آسمان و از زمین. نوح با مؤمنان و از هر حیوانی یک جفت سوار شد. گفت: «به نام خدا روان می‌شود و لنگر می‌اندازد.» پسر خودش از آمدن سر باز زد. «به کوهی پناه می‌برم.» آب کوه را هم پوشاند.

⋆ به نام خدا کشتی روان می‌شود.

کشتی = قایق بزرگ · **سوار شدن** = رفتن روی کشتی

بخش 3 – ادامه دادن

فاطیما می‌خواهد آرایشگر شود. دخترعموهایش می‌خندند: «با این نمره‌ها؟ فراموشش کن.» با داستان نوح فکر می‌کند: او کشتی ساخت در حالی که همه می‌خندیدند. هر شنبه روی دخترعموهای کوچکش تمرین می‌کند. دو سال بعد گواهی‌نامه‌اش را می‌گیرد. حالا موی همان دخترعموهایی را که می‌خندیدند کوتاه می‌کند. با چشمکی می‌گوید: «رایگان. این بار.»

⋆ به ساختن ادامه بده، حتی وقتی دیگران می‌خندند.

گواهی‌نامه = برگه پایان یک دوره آموزشی · **چشمک** = بستن یک چشم برای شوخی

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** تا حالا وقتی دیگران می‌خندیدند ادامه داده‌ای؟ چه حسی داشت؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – نوح

- نوح یکی از پنج پیامبر اولوالعزم است، همراه ابراهیم، موسی، عیسی و محمد.
- سوره‌ای به نام اوست: سوره نوح (۷۱).
- طبق قرآن، کشتی بر کوه جودی آرام گرفت.

📖 از قرآن کریم

قرآن 11:41

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا

«و گفت: سوار شوید. به نام خدا روان می‌شود و لنگر می‌اندازد.»

بازی‌ها

درس 2 · نوح و کشتی

🧩 جدول واژه‌یابی

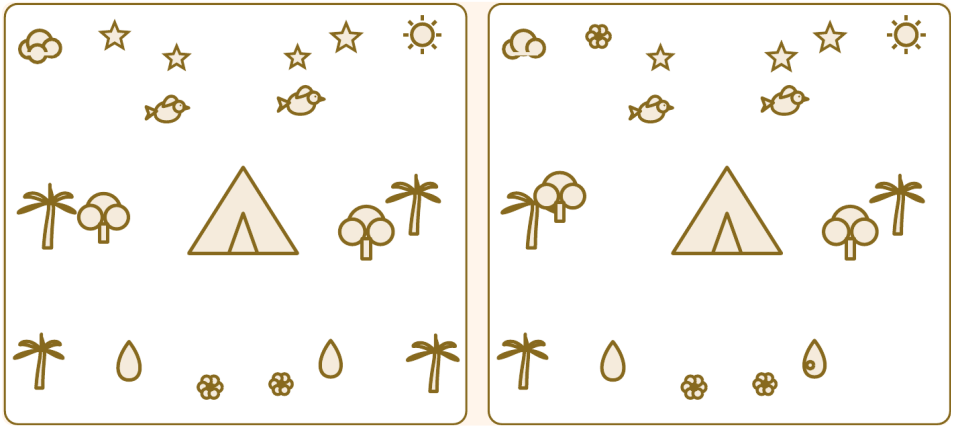
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

و	ه	ا	ژ	د	ی	غ	ز	ژ	ل	ژ
گ	ن	خ	ع	ح	ط	و	ف	ا	ن	ز
ک	پ	غ	ث	ت	ع	ژ	ص	ژ	پ	پ
ص	ف	ک	ل	و	ژ	ح	ی	و	ا	ن
ب	ا	س	آ	ک	ر	ذ	ع	و	چ	خ
ر	ط	ی	ب	ل	ز	د	ث	ص	ع	ف
ی	ی	خ	ظ	خ	ی	چ	ص	ط	چ	د
ک	م	گ	ک	و	ه	ن	و	ح	ه	ل
ش	ا	ر	ب	گ	ش	پ	ت	ض	ض	س
ت	س	ک	ی	س	ک	س	ر	غ	س	ن
ی	ش	ا	ث	ب	پ	ر	د	خ	چ	چ

☐ فاطیما ☐ حیوان ☐ طوفان ☐ کشتی ☐ توکل ☐ نوح ☐ کوه ☐ صبر ☐ پسر ☐ آب

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



نوح و کشتی

درس 2 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. نوح چند سال قومش را فرا خواند؟

- ◯ ۹۵۰ سال
- ◯ ۵۰ سال

2. مردم با انگشتانشان چه می‌کردند؟

- ◯ در گوش می‌کردند
- ◯ به او اشاره می‌کردند

3. نوح باید چه می‌ساخت؟

- ◯ خانه
- ◯ کشتی

4. چه کسی از آمدن سر باز زد؟

- ◯ همسرش
- ◯ پسرش

5. فاطیما می‌خواهد چه شود؟

- ◯ پزشک
- ◯ آرایشگر

6. کشتی کجا آرام گرفت؟

- ◯ در مکه
- ◯ بر جودی

⋆ **به یاد بسپار:** نوح: صبور ماندن و توکل به خدا.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. چرا نوح وقتی همه می‌خندیدند به ساختن ادامه داد؟

2. چه چیزی را می‌خواهی به دست آوری، حتی اگر دیگران شک کنند؟

نام: ..... تاریخ: .....

ابراهیم

درس 3 · شجاعت متفاوت بودن

📖 داستان: ابراهیم
با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – تبر

ابراهیم میان مردمی بزرگ شد که بت می‌پرستیدند. پدر خودش آن‌ها را می‌ساخت. ابراهیم می‌پرسید: «چرا چیزی را می‌پرستید که نمی‌شنود و نمی‌بیند؟» در روز جشنی که همه بیرون رفته بودند، همه بت‌ها را با تبر شکست. فقط بزرگ‌ترین را سالم گذاشت. تبر را به گردنش آویخت.

⋆ **ابراهیم پرسید: چرا چیزی را می‌پرستید که نمی‌شنود؟**

تبر = ابزار شکستن هیزم · **روز جشن** = روز شادی و جشن

بخش 2 – آتش

مردم خشمگین شدند. «چه کسی این کار را کرده؟» ابراهیم گفت: «از بت بزرگ بپرسید، اگر می‌تواند حرف بزند.» ساکت شدند. می‌دانستند بت‌ها حرف نمی‌زنند. با این حال تصمیم گرفتند ابراهیم را بسوزانند. آتشی بزرگ برافروختند و او را در آن انداختند. خدا فرمود: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش.» ابراهیم بی‌آسیب بیرون آمد.

⋆ **خدا فرمود: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش.**

خشمگین = بسیار عصبانی · **بی‌آسیب** = بی‌زخم

بخش 3 – شجاعت امروز

سامی در یک مهمانی است. همه الکل می‌نوشند و کسی قوطی‌ای در دستش می‌گذارد. «این‌قدر خشک نباش.» سامی به ابراهیم فکر می‌کند که تنها در برابر یک شهر ایستاد. قوطی را پس می‌دهد. «من نمی‌نوشم. نوشابه دارید؟» لحظه‌ای سکوت است. بعد پسری می‌گوید: «راستش من هم نوشابه را ترجیح می‌دهم.» گاهی کسی منتظر نخستین کسی است که جرأت کند.

⋆ **شجاعت یعنی جرأت متفاوت بودن، حتی وقتی تنهایی.**

شجاعت = جرأت داشتن، حتی با ترس · **خشک** = بی‌حال و بی‌مزه

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** کی متفاوت بودن از دوستانت سخت است؟ آن وقت چه چیزی کمکت می‌کند؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – ابراهیم

- ابراهیم را خلیل الله هم می‌نامند: دوست خدا.
- او با پسرش اسماعیل کعبه را در مکه ساخت.
- یهودیان، مسیحیان و مسلمانان همه ابراهیم را نیای بزرگ ایمان می‌دانند.

📖 از قرآن کریم
قرآن 21:69

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

«گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش.»

بازی‌ها

درس 3 · ابراهیم

🧩 جدول واژه‌یابی

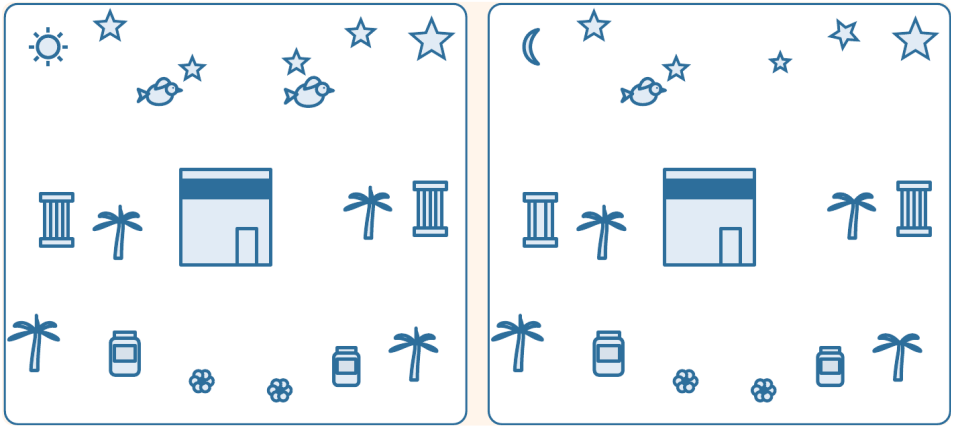
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ظ	و	ف	پ	د	ر	ک	ح	ذ	ظ	م
ص	و	ب	ث	ر	ن	و	ش	ا	ب	ه
ذ	و	ض	ل	ژ	ص	ف	ش	ک	چ	چ
پ	ا	ب	ر	ا	ه	ی	م	ز	خ	گ
ی	ه	ش	ک	ز	ژ	س	ا	م	ی	ت
ش	ج	ا	ع	ت	پ	ت	ه	ذ	ش	ب
ی	پ	ش	ب	ب	ظ	خ	ل	ی	ل	ر
د	ک	پ	ت	ی	س	خ	ب	آ	ت	ش
ف	ع	ق	ظ	ژ	ژ	ذ	ژ	ق	ج	م
ب	ب	ج	د	ه	ط	ح	ر	غ	پ	ع
ش	ه	ش	ر	غ	ج	ط	ز	چ	ر	گ

☐ ابراهیم ☐ نوشابه ☐ شجاعت ☐ خلیل ☐ سامی ☐ کعبه ☐ تبر ☐ آتش ☐ پدر ☐ بت

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



ابراهیم

درس 3 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. پدر ابراهیم چه می‌ساخت؟

- ◯ کشتی
- ◯ بت

2. ابراهیم کدام بت را سالم گذاشت؟

- ◯ کوچک‌ترین
- ◯ بزرگ‌ترین

3. مردم می‌خواستند با ابراهیم چه کنند؟

- ◯ پاداشش دهند
- ◯ بسوزانندش

4. خدا به آتش چه فرمود؟

- ◯ تندتر بسوز
- ◯ سرد و سلامت باش

5. سامی چه چیزی را پس می‌دهد؟

- ◯ گوشی‌اش
- ◯ قوطی

6. ابراهیم را چه می‌نامند؟

- ◯ خلیل الله
- ◯ امین

⋆ **به یاد بسپار:** ابراهیم: شجاعت پرستیدن خدای یگانه.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. چرا ابراهیم این‌قدر شجاع بود؟

.....

.....

.....

2. کی به شجاعت نیاز داری؟

.....

.....

.....

نام: ..... تاریخ: .....

موسی

درس 4 · جرأت سخن گفتن

📖 داستان: موسی
با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – در یک سبد

در مصر فرعونی ستمگر فرمان می‌راند. دستور داده بود پسران بنی‌اسرائیل را بکشند. وقتی موسی به دنیا آمد، مادرش او را در سبدی روی رود نیل گذاشت. خدا به او گفته بود: نترس. سبد تا کاخ رفت. همسر فرعون نوزاد را یافت و خواست نگهش دارد. این‌گونه موسی در خانه مردی بزرگ شد که می‌خواست او را بکشد.

⋆ **خدا موسی را حتی در کاخ فرعون حفظ کرد.**

فرعون = پادشاه مصر باستان · **کاخ** = خانه بزرگ پادشاه

بخش 2 – مأموریتی سخت

سال‌ها بعد خدا کنار بوته‌ای سوزان با موسی سخن گفت. «نزد فرعون برو.» موسی می‌ترسید. روان سخن نمی‌گفت. خواست: «پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن، کارم را آسان کن و گره از زبانم بگشا تا سخنم را بفهمند.» خدا برادرش هارون را یاورش کرد. با هم نزد فرعون رفتند. بعدها خدا دریا را برای موسی و قومش شکافت و آنان نجات یافتند.

⋆ **رب اشرح لی صدری: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن.**

مأموریت = کاری که به کسی سپرده می‌شود · **بوته** = درختچه با شاخه‌های بسیار

بخش 3 – ارائه

نسرین باید ارائه‌ای بدهد. دست‌هایش عرق کرده، صدایش می‌لرزد. معلم دینی‌اش دعای موسی را یادش می‌دهد. پیش از کلاس نسرین آهسته می‌گوید: رب اشرح لی صدری و یسر لی امری. نفس عمیقی می‌کشد و شروع می‌کند. وسط کار جمله‌ای را فراموش می‌کند. می‌خندد، به برگه‌اش نگاه می‌کند و ادامه می‌دهد. چهارده از بیست می‌گیرد.

⋆ **برای کمک دعا کن، بعد بهترین تلاشت را بکن.**

ارائه = گفتن چیزی جلوی کلاس · **لرزیدن** = تکان خوردن از ترس

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** کی مضطرب می‌شوی؟ دعای موسی چطور می‌تواند کمکت کند؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – موسی

- موسی پیامبری است که بیش از همه در قرآن آمده: بیش از ۱۳۰ بار.
- خدا به او تورات داد.
- موسی را کلیم الله هم می‌نامند: کسی که خدا با او سخن گفت.

📖 از قرآن کریم
قرآن 26-20:25

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

«پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن و کارم را آسان کن.»

بازی‌ها

درس 4 · موسی

🔤 جدول واژه‌یابی

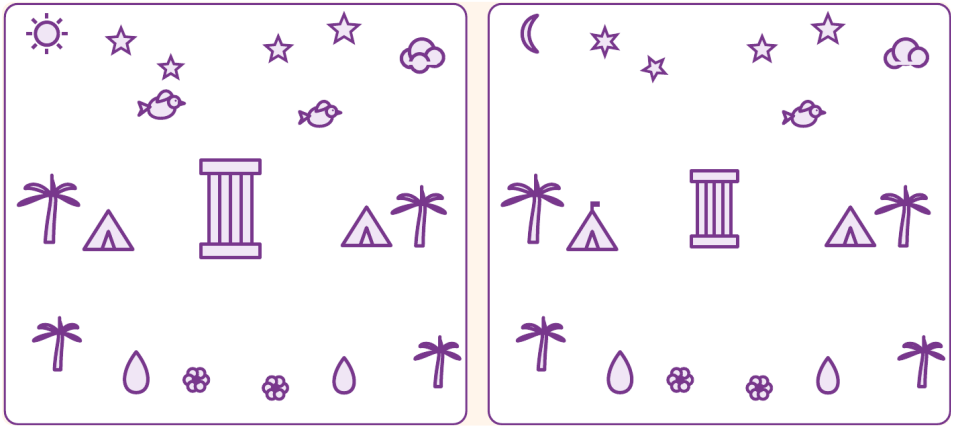
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ع	ش	ک	ت	گ	ح	ع	ث	ط	ظ	ع
ی	پ	د	و	س	ش	ذ	ن	چ	و	خ
د	ل	ز	ر	ق	ب	چ	خ	ح	د	ه
ق	پ	ل	ا	ک	ی	ص	ف	ج	ر	ش
ط	ب	ظ	ت	غ	ا	ج	ظ	ر	ی	ه
ج	و	ز	ا	خ	ف	ب	چ	ا	ا	ا
ع	ت	ذ	ث	د	ر	ذ	ذ	ت	ر	ر
ن	ه	س	ژ	د	ع	ل	ه	ی	ذ	و
ی	ر	ب	ش	ث	و	ش	ش	ذ	ظ	ن
ل	گ	د	ی	ز	ن	ی	س	و	م	ق
ه	ن	ی	ر	س	ن	ی	ث	ک	ف	ز

☐ فرعون ☐ هارون ☐ تورات ☐ نسرین ☐ موسی ☐ دریا ☐ بوته ☐ جرات ☐ نیل ☐ سبد

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



موسی

درس 4 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. مادرش موسی را کجا گذاشت؟

- ◯ در سبدی روی نیل
- ◯ در غاری

2. چه کسی نوزاد را یافت؟

- ◯ همسر فرعون
- ◯ یک ماهیگیر

3. خدا کجا با موسی سخن گفت؟

- ◯ کنار بوته‌ای سوزان
- ◯ در مسجد

4. خدا چه کسی را یاورش کرد؟

- ◯ پسرش
- ◯ برادرش هارون

5. نسرین باید چه کند؟

- ◯ ارائه بدهد
- ◯ امتحان بدهد

6. موسی کدام کتاب را گرفت؟

- ◯ انجیل
- ◯ تورات

⋆ **به یاد بسپار:** رب اشرح لی صدری: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. چرا موسی برای زبانش کمک خواست؟

.....

.....

.....

2. دعای موسی را بنویس و بگو کی می‌توانی از آن استفاده کنی.

.....

.....

.....

نام: ..... تاریخ: .....

یونس

درس 5 · هرگز ناامید نشدن

📖 داستان: یونس
با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – رفت

یونس پیامبر مردم نینوا را به پرستش خدای یگانه فرا خواند. گوش نکردند. یونس خشمگین شد و بی‌آنکه منتظر فرمان خدا بماند رفت. سوار کشتی شد. طوفانی سخت آمد. کشتی بیش از اندازه سنگین بود. قرعه کشیدند که چه کسی باید به دریا بیفتد. سه بار قرعه به نام یونس درآمد.

⋆ **یونس زود رفت، بی‌آنکه منتظر خدا بماند.**

فرمان = دستور · **قرعه** = انتخاب از روی بخت

بخش 2 – در شکم ماهی

یونس به دریا افتاد. ماهی بزرگی او را بلعید. تاریک بود: شب، دریا و شکم ماهی. یونس ناامید نشد. ندا داد: «هیچ معبودی جز تو نیست. پاکی از آن توست. من از ستمکاران بودم.» خدا صدایش را شنید. ماهی او را در ساحل بیرون انداخت. ضعیف و بیمار بود، ولی زنده. و وقتی بازگشت، قومش در این میان ایمان آورده بودند.

⋆ **یونس در تاریک‌ترین تاریکی خدا را خواند و خدا او را شنید.**

امید = باور به اینکه همه چیز می‌تواند خوب شود · **پاکی** = منزه بودن و بزرگی

بخش 3 – روزهای تاریک

انور مردود شده است. نمی‌خواهد کسی را ببیند و در اتاقش می‌ماند. پدربزرگش در می‌زند. داستان یونس را برایش می‌گوید. پدربزرگ می‌گوید: «سه لایه تاریکی. و با این حال پایان نبود.» انور کمی گریه می‌کند. بعد دعای یونس را تکرار می‌کند. هفته بعد در رشته دیگری ثبت‌نام می‌کند. خیلی بیشتر به او می‌آید.

⋆ **حتی پس از دوره‌ای سخت، همه چیز می‌تواند دوباره خوب شود.**

مردود شدن = قبول نشدن در سال تحصیلی · **رشته** = نوع آموزش در دبیرستان

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** وقتی همه چیز خراب می‌شود چه چیزی کمکت می‌کند؟ با چه کسی می‌توانی حرف بزنی؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – یونس

- یونس را ذوالنون هم می‌نامند: صاحب ماهی.
- پیامبر فرمود: هر کس در سختی دعای یونس را بخواند، خدا پاسخش می‌دهد.
- سوره ۱۰ قرآن سوره یونس نام دارد.

📖 از قرآن کریم
قرآن 21:87

لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

«هیچ معبودی جز تو نیست. پاکی از آن توست. براستی من از ستمکاران بودم.»

بازی‌ها

درس 5 · یونس

🧩 جدول واژه‌یابی

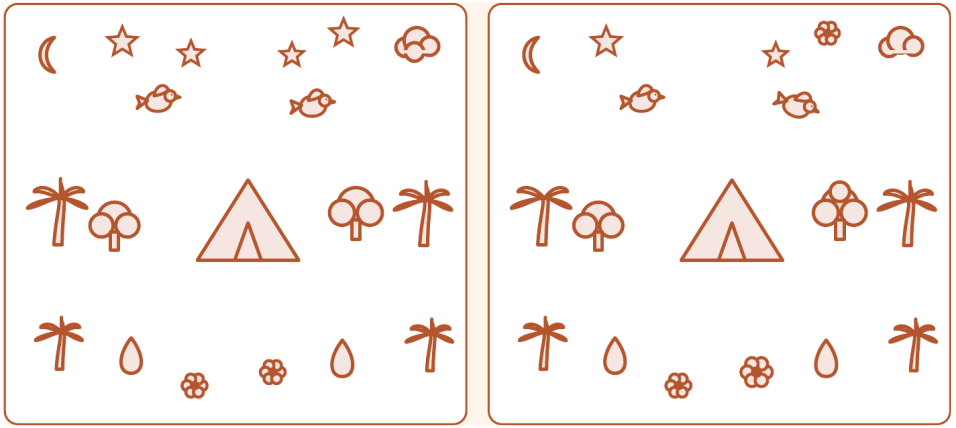
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ا	ح	خ	ب	خ	ج	گ	چ	ه	ط	ش
م	گ	ت	ت	ا	ک	ب	ن	ز	ض	چ
ی	ص	ط	و	ف	ا	ن	ط	ص	ت	ق
د	د	ز	م	ا	ه	ی	ژ	ج	ش	د
پ	ی	ن	ت	ا	ر	ی	ک	د	ب	ر
ش	و	ذ	گ	ک	ف	ا	ن	و	ر	ی
ی	ن	ن	ژ	ش	ف	ظ	ض	ژ	ژ	ا
ل	س	ی	ض	ت	س	ز	پ	ی	خ	پ
گ	ه	ن	ب	ی	ن	ر	م	و	ذ	ا
ح	غ	و	ع	پ	د	ر	ب	ز	ر	گ
ج	ق	ا	ط	پ	ع	ه	د	خ	د	چ

☐ پدربزرگ ☐ طوفان ☐ نینوا ☐ تاریک ☐ یونس ☐ ماهی ☐ دریا ☐ کشتی ☐ امید ☐ انور

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



یونس

درس 5 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. یونس به کدام شهر فرستاده شد؟

- ○ مکه
- ○ نینوا

2. چرا یونس رفت؟

- ○ خسته بود
- ○ خشمگین بود

3. چه چیزی یونس را بلعید؟

- ○ موج
- ○ ماهی بزرگ

4. چند لایه تاریکی بود؟

- ○ سه
- ○ یک

5. انور در چه چیزی مردود شد؟

- ○ امتحان رانندگی
- ○ سال تحصیلی

6. یونس را چه می‌نامند؟

- ○ خلیل الله
- ○ ذوالنون

⋆ **به یاد بسپار:** هرگز ناامید نشو: خدا صدایت را می‌شنود، حتی در تاریکی.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. یونس در تاریکی چه کرد؟

2. به دوستی که همه امیدش را از دست داده چه می‌گویی؟

نام: ..... تاریخ: .....

مریم و عیسی

درس 6 · معجزه‌ای از خدا

📖 داستان: مریم و عیسی

با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – مریم

مریم زنی جوان و پارسا بود. بسیار در معبد عبادت می‌کرد. گاهی شوهرخاله‌اش زکریا نزد او میوه‌ای می‌یافت که در آن فصل نمی‌رویید. «این از کجاست؟» می‌گفت: «از سوی خدا.» روزی فرشته جبرئیل بر او ظاهر شد. گفت: «تو پسری خواهی داشت.» مریم ترسید. «چگونه ممکن است؟ هیچ مردی به من دست نزده.» فرشته گفت: «برای خدا آسان است. می‌گوید: باش، پس می‌شود.»

⋆ **برای خدا هیچ چیز سخت نیست: می‌گوید باش، پس می‌شود.**

پارسا = بسیار باایمان · **معبد** = خانه عبادت

بخش 2 – نوزاد سخن می‌گوید

مریم پسرش عیسی را زیر درخت خرمایی به دنیا آورد. خدا جوی آبی روان کرد و خرما فرو ریخت. وقتی با نوزاد بازگشت، مردم او را متهم کردند. مریم به نوزاد اشاره کرد. «چگونه با نوزادی سخن بگوییم؟» آن‌گاه عیسی سخن گفت: «من بنده خدایم. به من کتاب داد و مرا پیامبر کرد.» بعدها عیسی به اذن خدا معجزه‌های بسیار کرد: بیماران و نابینایان را شفا داد.

⋆ **عیسی گفت: من بنده خدایم.**

متهم کردن = گفتن اینکه کسی کار بدی کرده · **شفا دادن** = بهبود بخشیدن

بخش 3 – سه دین

در کلاس الیاس مسلمانان، مسیحیان و پسری که دینی ندارد هستند. درباره عیسی حرف می‌زنند. لوره می‌گوید: «نزد ما او را یسوع می‌نامند.» الیاس تعریف می‌کند که مسلمانان عیسی را به عنوان پیامبری بزرگ و مریم را به عنوان یکی از بهترین زنان تاریخ دوست دارند. «سوره‌ای کامل به نام اوست.» لوره تعجب می‌کند. «نمی‌دانستم.» در همه چیز هم‌نظر نیستند. ولی چیزهای زیادی از هم یاد می‌گیرند.

⋆ **مسلمانان عیسی و مریم را دوست دارند.**

دین = ایمان · **هم‌نظر بودن** = یکسان فکر کردن

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** درباره ایمان هم‌کلاسی‌هایت چه می‌دانی؟ دوست داری چه بپرسی؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – مریم و عیسی در قرآن

- مریم تنها زنی است که نامش در قرآن آمده. سوره ۱۹ به نام اوست.
- عیسی انجیل را دریافت کرد. مسلمانان باور دارند او پیامبر است، نه پسر خدا.
- مسلمانان باور دارند عیسی بر صلیب نمرد و پیش از روز قیامت بازمی‌گردد.

📖 از قرآن کریم

قرآن 19:30

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

«گفت: من بنده خدایم. به من کتاب داد و مرا پیامبر کرد.»

Fatih Koçoğlu · Islam voor Iedereen · داستان‌ها و تاریخ

بازی‌ها

درس 6 · مریم و عیسی

🧩 جدول واژه‌یابی

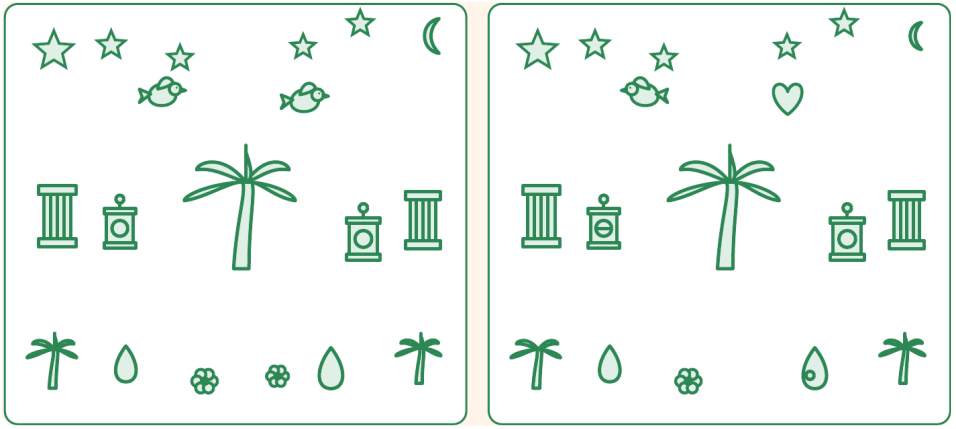
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ژ	ع	غ	ط	ق	ع	ع	ف	ن	خ	ل
ظ	ل	م	ک	چ	ظ	ک	ف	ر	ک	ذ
ع	و	ر	د	ژ	و	غ	ب	ا	ش	و
ی	ر	ی	و	ج	ا	ک	ض	م	ح	م
س	ه	م	س	ق	خ	ر	م	ا	ش	ع
ی	پ	ی	ت	ی	ظ	ق	ت	ا	ا	ج
ط	پ	ی	ا	م	ب	ر	ه	ل	ن	ز
ر	ذ	ش	گ	ب	ق	ع	ط	ی	ج	ه
ب	ق	ش	ث	ف	ن	ش	ط	ا	ی	غ
ض	م	ب	ز	ث	ا	ه	ب	س	ل	ب
ه	د	ج	ب	ر	ئ	ی	ل	چ	ع	ط

☐ جبرئیل ☐ پیامبر ☐ معجزه ☐ انجیل ☐ الیاس ☐ مریم ☐ عیسی ☐ خرما ☐ لوره ☐ نخل

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



مریم و عیسی

درس 6 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. شوهرخاله مریم که بود؟

- ○ موسی
- ○ زکریا

2. کدام فرشته نزد مریم آمد؟

- ○ جبرئیل
- ○ میکائیل

3. مریم کجا فرزندش را به دنیا آورد؟

- ○ در کاخ
- ○ زیر درخت خرما

4. عیسی در نوزادی چه گفت؟

- ○ من پادشاهم
- ○ من بنده خدایم

5. مسیحیان عیسی را چه می‌نامند؟

- ○ یحیی
- ○ یسوع

6. عیسی کدام کتاب را گرفت؟

- ○ انجیل
- ○ زبور

⭐ **به یاد بسپار:** عیسی پیامبر و بنده خداست.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. مسلمانان درباره عیسی چه باوری دارند؟

.....

.....

.....

2. چطور می‌توانی با احترام با هم‌کلاسی‌هایت درباره ایمان حرف بزنی؟

.....

.....

.....

نام: ..... تاریخ: .....

خدیجه

درس 7 · نخستین مسلمان

📖 داستان: خدیجه
با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – بانوی بازرگان

خدیجه دختر خویلد بازرگانی ثروتمند و باهوش در مکه بود. کاروان‌ها به شام می‌فرستاد. مردی درستکار می‌جست تا تجارتش را اداره کند. محمد جوان را برگزید، چون او را امین، درستکار، می‌نامیدند. او بیش از همیشه سود آورد. خدمتکارش میسره برایش گفت که او چقدر درستکار و نیک است. خدیجه از او خواستگاری کرد. با هم ازدواج کردند.

⋆ **خدیجه محمد را به خاطر درستکاری‌اش برگزید.**

بازرگان = کسی که تجارت می‌کند · **خواستگاری** = پیشنهاد ازدواج

بخش 2 – در خانه، پس از غار

وقتی محمد نخستین وحی را در غار حرا دریافت کرد، لرزان به خانه آمد. گفت: «مرا بپوشانید.» خدیجه پتویی رویش انداخت و گوش داد. بعد گفت: «خدا هرگز تو را خوار نمی‌کند. تو با خویشانت مهربانی، به ناتوانان کمک می‌کنی، مهمان را گرامی می‌داری و کنار حق می‌ایستی.» او نخستین کسی بود که به او ایمان آورد. دارایی‌اش را برای کمک به مسلمانان داد.

⋆ **خدیجه نخستین کسی بود که ایمان آورد.**

وحی = پیام از سوی خدا · **خوار کردن** = کوچک و شرمنده کردن

بخش 3 – پشتیبانی

دعا در ارائه‌اش درباره زنان قوی از خدیجه می‌گوید. «او بازرگان بود، نخستین مسلمان بود و وقتی همسرش می‌ترسید کنارش ایستاد.» هم‌کلاسی‌ای می‌پرسد: «پیامبر واقعاً این‌قدر دوستش داشت؟» دعا سر تکان می‌دهد. «سال‌ها پس از مرگش هنوز برای دوستانش هدیه می‌فرستاد. سال درگذشتش را سال اندوه نامید.»

⋆ **دوست خوب وقتی می‌ترسی پشتیبانت است.**

پشتیبانی = کمک کردن و کنار کسی بودن · **اندوه** = غم بزرگ و دردناک

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** وقتی می‌ترسی یا غمگینی چه کسی پشتیبانت است؟ تو چطور می‌توانی پشتیبان کسی باشی؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – خدیجه

- خدیجه و پیامبر ۲۵ سال با هم زندگی کردند. تا او زنده بود، پیامبر همسر دیگری نگرفت.
- شش فرزند داشتند، از جمله فاطمه.
- جبرئیل یک بار سلام خدا را برای خدیجه آورد.

📖 حدیث
بخاری و مسلم

خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَخَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةُ

«بهترین زن روزگار خود مریم دختر عمران بود. و بهترین زن روزگار خود خدیجه بود.»

بازی‌ها

درس 7 · خدیجه

🧩 جدول واژه‌یابی

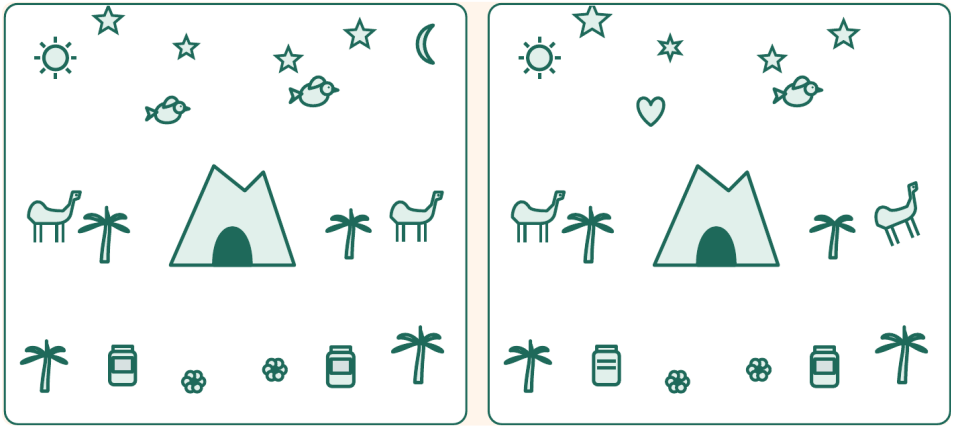
واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ث	ب	س	م	ف	ف	ص	پ	گ	ح	ک
و	ه	ی	ذ	ث	ب	پ	د	ک	ر	م
ت	ر	ا	ج	ت	ع	ذ	غ	ت	ا	د
ت	ف	و	ق	ی	ز	ض	پ	م	ض	ه
خ	ا	ر	ن	ا	ب	ی	ت	ش	پ	ذ
د	ط	ع	ز	د	ب	ع	ث	ژ	ن	ض
ی	م	ژ	پ	ع	ن	ا	و	ر	ا	ک
ج	ه	ع	ض	ا	گ	ن	ا	م	ی	ا
ه	ش	ک	د	م	ی	ج	ذ	ل	ک	غ
ث	م	ع	م	و	ت	پ	ط	و	ب	ا
و	گ	پ	ف	ه	ک	م	ج	ج	ژ	ق

☐ پشتیبان ☐ کاروان ☐ خدیجه ☐ تجارت ☐ فاطمه ☐ ایمان ☐ مکه ☐ حرا ☐ دعا ☐ پتو

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.



خدیجه

درس 7 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. کار خدیجه چه بود؟

- ◯ معلم
- ◯ بازرگان

2. چرا محمد را برگزید؟

- ◯ به خاطر درستکاری‌اش
- ◯ به خاطر پولش

3. پیامبر وقتی به خانه آمد چه گفت؟

- ◯ به من غذا بدهید
- ◯ مرا بپوشانید

4. چه کسی نخست ایمان آورد؟

- ◯ ابوبکر
- ◯ خدیجه

5. سال درگذشت او چه نام گرفت؟

- ◯ سال اندوه
- ◯ سال فیل

6. چند سال با هم بودند؟

- ◯ ۵ سال
- ◯ ۲۵ سال

⋆ **به یاد بسپار:** خدیجه: نخستین مسلمان و پشتیبانی وفادار.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. خدیجه چگونه از پیامبر پشتیبانی کرد؟

2. به نظرت چه کسی زنی قوی است؟ چرا؟

نام: ..... تاریخ: .....

ابوبکر

درس 8 · دوست وفادار

📖 داستان: ابوبکر

با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – فوراً بله

ابوبکر از دیرباز بهترین دوست محمد بود. وقتی محمد به او گفت که پیامبر است، ابوبکر فوراً گفت: «باورت دارم.» بعدها پیامبر از سفر شبانه‌اش به بیت‌المقدس گفت. مردم خندیدند: «در یک شب؟ محال است.» نزد ابوبکر دویدند. گفت: «اگر او گفته، راست است.» برای همین لقب صدیق گرفت: کسی که حقیقت را تصدیق می‌کند.

⋆ **ابوبکر را صدیق می‌نامیدند: کسی که حقیقت را تصدیق می‌کند.**

لقب = نام افزوده · **تصدیق کردن** = گفتن اینکه چیزی درست است

بخش 2 – در غار

ابوبکر بردگانی را که به خاطر مسلمانی شکنجه می‌شدند آزاد کرد، از جمله بلال. وقتی پیامبر باید به مدینه هجرت می‌کرد، ابوبکر همراهش رفت. سه روز در غار ثور پنهان شدند. دشمنان درست کنار دهانه غار ایستاده بودند. ابوبکر آهسته گفت: «اگر یکی از آنان به پاهایش نگاه کند ما را می‌بیند.» پیامبر فرمود: «غم مخور. خدا با ماست.»

⋆ **لا تحزن ان الله معنا: غم مخور، خدا با ماست.**

شکنجه = درد بسیار به کسی رساندن · **غمگین** = ناشاد

بخش 3 – دوستی واقعی

رانیا به شهر دیگری می‌رود. بهترین دوستش هاجر هر هفته به او زنگ می‌زند. وقتی رانیا در مدرسه تازه احساس تنهایی می‌کند، هاجر پیام می‌دهد: «لا تحزن. دوستان تازه پیدا می‌کنی. من دوستت می‌مانم.» رانیا به ابوبکر فکر می‌کند. دوست واقعی می‌ماند، حتی وقتی کار سخت می‌شود.

⋆ **دوست واقعی می‌ماند، حتی وقتی سخت است.**

اسباب‌کشی = رفتن به خانه‌ای دیگر · **وفادار** = کسی که دوستش را رها نمی‌کند

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** چه چیزی کسی را دوستی واقعی می‌کند؟ تو چنین دوستی هستی؟

💡 آیا می‌دانستی؟ – ابوبکر

- پس از درگذشت پیامبر، ابوبکر نخستین خلیفه، رهبر مسلمانان، شد.
- او برای نخستین بار قرآن را در یک مجموعه گرد آورد.
- او کنار پیامبر در مدینه به خاک سپرده شده است.

📖 از قرآن کریم

قرآن 9:40

لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا

«غم مخور، خدا با ماست.»

ابوبکر

درس 8 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. ابوبکر وقتی محمد پیامبر شد چه گفت؟

- ○ شک دارم
- ○ باورت دارم

2. صدیق یعنی چه؟

- ○ کسی که حقیقت را تصدیق می‌کند
- ○ ثروتمند

3. چه کسی را آزاد کرد؟

- ○ بلال
- ○ حمزه

4. در کدام غار پنهان شدند؟

- ○ حرا
- ○ ثور

5. هاجر برای رانیا چه می‌فرستد؟

- ○ بسته
- ○ پیام

6. ابوبکر بعدها چه شد؟

- ○ نخستین خلیفه
- ○ پادشاه

⋆ **به یاد بسپار:** ابوبکر: وفادار، راستگو و شجاع.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. چرا ابوبکر را صدیق نامیدند؟

.....

.....

.....

2. چه چیزی کسی را دوستی وفادار می‌کند؟

.....

.....

.....

بازی‌ها

درس 8 · ابوبکر

🍡 جدول واژه‌یابی

واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ی	ک	ل	ک	غ	ر	ا	ن	ی	ا	ل
د	ش	ا	ت	ا	ل	گ	ت	ث	و	ر
ه	ش	ش	ف	ر	ه	ز	ح	ن	ز	ض
ا	ب	گ	پ	ش	م	ا	ک	گ	س	خ
چ	ل	ا	ب	و	ب	ک	ر	ز	ق	ل
ر	ا	ل	ف	ز	ه	ر	ی	ص	خ	ی
ت	ل	ه	ص	ح	ت	ا	ح	م	گ	ف
د	گ	ق	د	گ	و	ش	ج	ه	ت	ه
و	ذ	ت	ی	ح	ف	ش	خ	چ	م	ی
س	ز	ن	ق	ش	ا	ط	غ	ج	ژ	ظ
ت	ط	ع	خ	ا	ا	ق	ف	ش	ت	ظ

☐ ابوبکر ☐ رانیا ☐ خلیفه ☐ صدیق ☐ بلال ☐ دوست ☐ هاجر ☐ ثور ☐ غار ☐ وفا

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.





فهرست واژه‌ها

ارائه = گفتن چیزی جلوی کلاس

اسباب‌کشی = رفتن به خانه‌ای دیگر

امید = باور به اینکه همه چیز می‌تواند خوب شود

اندوه = غم بزرگ و دردناک

بازرگان = کسی که تجارت می‌کند

بت = پیکره‌ای از سنگ یا چوب

بهانه = دلیلی برای پنهان کردن خطا

بوته = درختچه با شاخه‌های بسیار

بی‌آسیب = بی‌زخم

تبر = ابزار شکستن هیزم

تصدیق کردن = گفتن اینکه چیزی درست است

تنبیه = پیامد کار نادرست

تکبر = خود را برتر دانستن

خشمگین = بسیار عصبانی

خشک = بی‌حال و بی‌مزه

خوار کردن = کوچک و شرمنده کردن

خواستگاری = پیشنهاد ازدواج

دین = ایمان

رشته = نوع آموزش در دبیرستان

روز جشن = روز شادی و جشن

سوار شدن = رفتن روی کشتی

شجاعت = جرأت داشتن، حتی با ترس

شفا دادن = بهبود بخشیدن

شکنجه = درد بسیار به کسی رساندن

غمگین = ناشاد

فرعون = پادشاه مصر باستان

فرمان = دستور

فریب خوردن = باور کردن حرف نادرست

قرعه = انتخاب از روی بخت

لرزیدن = تکان خوردن از ترس

لقب = نام افزوده

مأموریت = کاری که به کسی سپرده می‌شود

متهم کردن = گفتن اینکه کسی کار بدی کرده

مردود شدن = قبول نشدن در سال تحصیلی

معبد = خانه عبادت

نشانه احترام = کاری برای بزرگداشت کسی

هم‌نظر بودن = یکسان فکر کردن

وحی = پیام از سوی خدا

وفادار = کسی که دوستش را رها نمی‌کند

پارسا = بسیار باایمان

پاکی = منزه بودن و بزرگی

پشتیبانی = کمک کردن و کنار کسی بودن

پشیمان شدن = از کار خود احساس بدی داشتن

پنهان = بی‌آنکه دیگران بدانند

چشمک = بستن یک چشم برای شوخی

کاخ = خانه بزرگ پادشاه

کشتی = قایق بزرگ

گواهی‌نامه = برگه پایان یک دوره آموزشی